

نام ببرید. زیرپوش سفید، روپوش آبی و غیره سپس، بعد از آنکه او کلمات را آموخت، از او بخواهید که بگوید چه لباسی را دوست دارد بپوشد. در فروشگاه از او بخواهید تا اجناسی مانند نان، نمک، پنیر، دستمال سفره و غیره را که می شناسد بیاورد و در چرخ دستی شما بگذارد.

نیازی نیست که شما کلمات را در دهان فرزند خود بگذارید شما می توانید کلماتی را که به آن نیاز دارد به او بگویید. او در آن صورت، آنها را بهتر خواهد آموخت.

برای مثال، توپ کودک در زیر تخت قرار دارد، ولی نمی تواند آنرا خارج کند ضمناً نمی تواند منظور خود را به مادر بگوید. کودک در شرف گریه کردن است. مادر به طفل می گوید چه کار می خواهی من برای تو انجام دهم. کودک توپ را نشان می دهد. مادر می گوید اوه توپ تو، زیر تخت. الان آن را برای تو می آورم با این طرز صحبت، شما کلماتی را که کودک به آنها نیاز دارد در اختیارش قرار می دهید و کودک نیز می آموزد که چگونه منظور خود را ادا کند.

اگر کودک در سن ۱۸ ماهگی شروع به تلفظ تعدادی از کلمات بکند، حرف زدن با وی زود نیست بلکه موجب تشویق او به فکر کردن، دیدن روابط و شکل دادن به مفاهیم کلمات می گردد.

البته این مطلب به دین معنی نیست که برای هر کاری که می کند، شرح و تفصیل زیادی به کودک بدهید. بلکه با راههای ساده می توانید به او کمک کنید که علل و نتایج را ببیند. مثلاً به وی نشان دهید که اگر قدری شیر را ببندد آب به روی خودش و شما پاشیده نمی شود. می توانید روابط زمان را نیز به وی بفهمانید مثلاً اینکه به او بگوئید: ما حالا به فروشگاه می رویم و همبرگر می خوریم و برای ظهر ناهار می پزیم.

همچنین می‌توانید حقایقی را به او بگوئید که به او کمک کند تا نتیجه لازم را از آن بگیرد مثلاً به او بگوئید که: این کارد تیز است. من آنرا با دقت بکار می‌برم.

در هیجده ماهگی شما می‌توانید به کودک در مورد روابط موجود میان کارهائی که می‌کند و حوادثی که ممکنست از آن ناشی شود مطالبی بیاموزید. در این دوره، طفل روابط بین علل و آثار آنها را می‌آموزد و مخصوصاً درک می‌کند که اتفاقی که افتاده مربوط به کاری است که وی انجام داده است.

هنگامی که حوادث کوچکی رخ می‌دهد، بایستی به کودک بفهمانیم که این حادثه به علت کاری که او کرده پیش آمده است. اگر بگوئیم که او! اجاق بد است و ترا سوزانده، کار درستی نکرده‌ایم چرا که علت حادثه بر او معلوم نیست، بایستی بگوئیم که اجاق داغ بود، تو دستت را روی آن گذاشتی و سوخت، به دین ترتیب روابط بین علل و آثار آنها برایش روشن می‌شود.

اگر کودک به زمین افتاده و مجروح شد، ما اغلب زمین را با چوب زده و می‌گوئیم که زمین مقصر است تا طفل را متقاعد کنیم که او گناهی نداشته است، ولی اگر به او بفهمانیم که در نتیجه بی‌توجهی به زمین افتاده است، او به علل و آثار آنها پی می‌برد، و به مسئولیت خود واقف می‌گردد. در این سن کودک اطاعت از فرامین را می‌آموزد. کلمه «نه» را نباید زیاد و بی‌سبب بکار برد چرا که اثر خود را از دست می‌دهد.

هنگامی که فرزند در دو سالگی به آموختن کلمات می‌پردازد، شما می‌توانید با ترتیب دادن بازی کلمات به وی کمک کنید. برای مثال بگوئید که: در این اتاق شیء قرمزی روی میز است اسمش چیست؟ شیء سفید و گردی در دست من است نامش چیست؟ دیوار اتاق چه رنگ

است؟ شما می‌توانید هنگام رانندگی یا کار در آشپزخانه، به کودک فرصت دهید تا او از شما سؤال کند. هنگامی که قادر شد مقصود خود را به خوبی بیان کند، به او اجازه بدهید تا سر به سر شما بگذارد و با شما شوخی کند.

موقعی که کودک شما دو سال و نیمه است، می‌توانید نحوه بازی کلمات را تغییر دهید مثلاً بگوئید من به پرنده‌ای فکر می‌کنم که اول آن با صدای (طو) شروع می‌شود سپس بگوئید که آن «طوطی» است یا مرغی را می‌شناسم که در آب شنا می‌کند و آخر نام آن (آبی) است «مرغابی» و بازیهای از این قبیل؛ این نوع بازی گوش اطفال را در تلفظ کلماتی که زبان را درست می‌کند، تقویت می‌کند و برای درست کردن زیربنای آموزش خواندن، بسیار مفید است.

بازیهای «سکوت» درک صداها را در اطفال تقویت می‌کند. مثلاً با این بازی به او بگوئید که: گوش کن، صدائی که خارج ساختمان است مربوط به چیست، صدای باد، اتومبیل، هواپیما، گریه و غیره. یا به طفل بگوئید چشمان خود را ببند و بگو که صدائی را که من درست می‌کنم مربوط به چیست «مثلاً صدای خوردن مداد به لیوان آب» و بازیهای بسیار متنوعی از این قبیل.

میل کودک شما بین هیجده و سی و شش ماهگی، به کتاب و خواندن، با تشویق کوچکی از طرف شما به سرعت افزایش می‌یابد. اگر شما بتوانید در ساعات معینی برای وی کتاب بخوانید بسیار مفید است.

شما می‌توانید این ساعت را موکول به هنگام رفتن به رختخواب کنید. در این صورت فرزند شما با شادی و رضای خاطر به رختخواب رفته و خواب آرامی می‌کند و عادت گرانبهای زمان صحبت و آرامش شبانه را در وی ایجاد می‌نماید.

هر وقت توانستید بگذارید فرزند دو ساله‌ی شما هر کتابی را که دوست دارد بخرد، حتی اگر کتاب فاقد ارزش باشد. بعضی افراد، کتابهای مستعمل خود را به حراج می‌گذارند. از این فروشندگان کتابهایی را که دارای جلد ضخیم هستند و متعلق به اطفالی بوده است که اکنون بزرگ شده‌اند، به قیمت کمتر از یک دلار می‌توان خرید، بگذارید کودک طبق سلیقه‌ی خود انتخاب کند. اکنون فرزند شما می‌تواند برای خودش کتابخانه کوچکی ترتیب دهد.

در این سن، اطفال، کتابهای قصه‌ی ساده‌ای را در مورد سرگذشت اطفال کوچک دیگر، در مورد حیوانات، در مورد افراد بالغ و در مورد دنیایی که با آن آشنا هستند، دوست دارند. دنیای آنها مملو از عجایب و افسون است. از نظر اطفال و دنیای عجیب آنان افراد در هنگامی که باران می‌بارد، در آن باران حمام می‌کنند. از نظر آنان در کلید برق که شب را در یک ثانیه تبدیل به روز می‌کند افسونی وجود دارد و... اطفال دو و سه ساله خیلی مهیای گرفتن و جذب اطلاعات درباره‌ی دنیای اطراف خود هستند و مفاهیم و تصوراتی در مورد آن و ارتباط‌های خودشان با آنها به وجود می‌آورند. از بهترین کتابهایی که آنها دوست دارند، کتابهایی است که: می‌گوید بابا هر روز در سرکار چه می‌کند. والدین مانند نوزادان کوچک، چه چیزهایی را دوست دارند. یا کتابهایی که به کودکان می‌آموزد که با چه چیزی می‌توانند خانواده خویش را متعجب سازند.

از آنجائی که اطفال دو، سه ساله خیلی در مورد آموختن زبان حساس هستند به دین لحاظ بیشتر آنها مجذوب اشعارند حتی اشعار مهد کودک، اشعار سیاسی قدیم انگلیسی که برای کودکان امروزی بی‌معنی است این اشعار به مناسبت آهنگی که دارند مورد علاقه‌ی

کود کاوند .

والدینی که سعی دارند اشعار با معنی بدست آورده و برای کود کان خود بخوانند به زودی پی می‌برند که کود کان آنان اشعاری را که قبلاً ذکر آن رفت، ترجیح می‌دهند .

شما می‌توانید مجموعه‌ای از این قبیل اشعار مهیج را در کتابخانه و کتاب فروشی‌ها بدست آورید . بهترین هدیه برای جشن تولد، و اعیاد دیگر، هدیه کردن چنین کتابهائی است . هیچ اشکالی ندارد که شما خود اشعار مهد کودک را به اطفال خود بیاموزید . حتی اگر معنی هم نداشته باشد، اهمیتی ندارد . ولی اگر اشعار با آهنگ و صدا و قافیه باشند، کود ک آنها را دوست خواهد داشت .

طفل می‌خواهد شما چندین مرتبه برای او این اشعار را بخوانید، حتی اگر، هر دونفر شما هم آنها را از بر داشته باشید . این خصوصیات کود ک در این سنین است؛ این تکرارها برای وی مهم است او می‌خواهد که هر چه بیشتر به منظور شعر، و الگوهای زبان مسلط شود . منظور او تلف کردن وقت نیست .

بنابراین می‌توانید به فرزند دو ساله‌ی خود بگوئید که خواندن نیز فرم دیگری از زبان است . و نوشتن هم، آوردن صحبت‌ها به روی کاغذ است . می‌توانید به او نشان دهید که اسم او بر روی کاغذ چه شکلی دارد . می‌توانید از او بخواهید تا به شما بگوید که برای پدر بزرگش چه بنویسد . شما می‌توانید اسامی کتابهائی را که روی جلد آنها نوشته شده است و نیز برجسی را که روی مواد مختلف در فروشگاهها وجود دارد، به فرزند خود نشان دهید . شما می‌توانید یادداشتهائی کوچک بر روی تخته سیاه یا آئینه او نوشته و روز دیگر برایش بخوانید . می‌توانید به هر گونه سنوال او در مورد کلمات جواب بگوئید . اگر این کارها شوق او

را برای آموختن بیشتر کرد، می‌توانید حتی قبل از سه سالگی خواندن را به وی بیاموزید.

اگر فرزند شما بین سنین هیجده و سی و شش ماهگی صحبت کردن را به خوبی آموخت، باز هم بر آن است که مقدار زیادی از آموخته‌های خود را از طریق حواس محرکه و جنبشی تجربه کند او هنوز می‌خواهد آزادی عمل دست زدن، هل دادن، کشیدن، رویهم قرار دادن، از هم جدا کردن، پرتاب کردن را داشته باشد او هنوز می‌خواهد از طریق گوش دادن و نگاه کردن بیاموزد.

این آموزش نیست که چیزی را به او تحمیل کنید. آموختن را باید خود کودک، از طریق کاوش، تجربه، سعی و تلاش، حتی اگر منجر به شکست وی شود، کسب نماید.

نیاز به درک شایسته مطلبی که کودک می‌خواهد از طریق آن به نتایجی در مورد آن مطلب و دنیای اطراف خود برسد، احتمالاً دلیل عمده تکرار مطالبی است که یک کودک دو و دو سال و نیمه روی آن اصرار می‌ورزد. چگونه یک طفل می‌تواند بفهمد که چقدر پائین پلکان است، مگر آنکه چندین مرتبه از پلکان بالا و پائین رود؟ چگونه می‌تواند یک کلمه‌ای را که در کتابش نوشته شده، مطمئن شود که همیشه همان معنی را می‌دهد که شما می‌گویید، مگر اینکه آنرا بیست مرتبه تکرار کنید؟ چگونه کودک می‌تواند مطمئن شود که شب بدون پیش آمدی می‌گذرد مگر آنکه همان پتوی ارغوانی، خرس آبی و چراغ شب در جای خودشان باشند؟

یک دانشمند تنها با تکرار تجربیات و آزمایشاتی که در لابراتوار خود انجام می‌دهد به نتایج دلخواه می‌رسد و از طرف همکارانش مورد تقدیر قرار می‌گیرد. کودکان نیز، حتی اگر

نتوانند به شما بگویند که برای چه منظوری آن قدر تلاش می‌کنند انتظار همین تفاهم و صبر و حوصله را از طرف شما دارند.

البته شما نمی‌توانید اجازه دهید گالیله‌ی کوچک شما برای اثبات قانون سقوط اجسام تخم مرغ را از روی کابینت آشپزخانه به زمین بیاندازد و نه برای ثبوت اصول قانون «آرودینامیک» به شیشه‌ی پنجره‌ی همسایه سنگ پرتاب کند، ولی اطلاع به نیازهای متغیر در حال رشد کودک، به شما این حوصله را می‌دهد که هنگام رفتن به خواب، اگر از شما درخواست کرد حکایتی را برایش تعریف کنید، ناراحت نشوید.

به جای کسل شدن او درخواست کودک برای تکرار مطالب، می‌توانید به او کمک کنید تا نظم و پاکیزگی را رعایت کند به حدی که این کار عادت ثانوی وی گردد یا آنکه به او بیاموزید تا خود مستقل کارهای مربوط به خود را انجام دهد.

مادری در منزل، قفسه‌ای را به شکلی که کودک به آن دسترسی داشته باشد، برایش ترتیب داده بود، تا کودک اسباب بازی خود را در آن قرار دهد. کودک هر یک از اسباب بازیها را که برمی‌داشت پس از بازی به جای خود می‌گذاشت. چند سبد برای هر یک از اسباب بازی‌هایی که بایستی کنار هم چیده شوند (پازل) تعبیر کرده و پشت هر یک از قطعات پازل را با نصب برچسب رنگی معینی، بر پشت قطعات آن، مشخص ساخته بود. کودک نیز عادت داشت که هر یک از قطعات پازل را در سبد معینی قرار دهد. به دین ترتیب پیروی از نظم و ترتیب، برای کودک، یک نوع سرگرمی و عادت همیشگی گردیده بود.

یک گنجه‌ی کوتاه برای لباس، که دست کودک دو سال و نیمه به آن برسد با نصب گل میخ‌های چوبی در آن که در دسترس کودک باشد، موجب می‌گردد که طفل هنگامی که لباسهای خود را از تن خارج

می‌کند آنها را در آنجا بیاویزد. به این ترتیب، کودک احساس مالکیت و استقلال کرده و در عین حال نظم و ترتیب عادت ثانوی وی می‌گردد.

طفلی که در این سال قادر است خودش لباس از تن خارج کند یا لباس به تن کرده و آنرا دکمه کند احساس فخر و مباهات می‌نماید. او قادر به کنترل محیط اطراف خود می‌باشد و از این کارها لذت می‌برد. او در مرحله‌ای از زندگی احساس آزادی و استقلال می‌کند احساسی که برای وی زیاد ارزشمند است. اگر والدین در این دوران به کودک کمک نکرده و نظم و ترتیب را به وی نیاموزند، ناچارند در بقیه ادوار زندگی، کودک را به علت عدم رعایت نظم و ترتیب سرزنش کنند.

طبق گفته‌ی دکتر منتسوری، این آموزشها، صرف نظر از پاکیزگی و نظم ترتیبی که به کمک والدین عاید کودک می‌کند به کودک می‌آموزد که هر کار شروع و انجامی دارد. پس از آنکه کاری شروع شد باید به پایان برسد و مراحل فکری برای انجام آن نیز تحت کنترل و نظم معینی باشد.

در سنین بین دو و سه سالگی، هر کودکی میل وافر به تسلط هر چه بیشتر و احراز شایستگی کافی دارد. اگر شما حوصله کرده و نحوه انجام کارها را به فرزند خود نشان دهید، او با تمرکز، علاقه و رضایت کامل آنها را می‌آموزد و بعدها، کمتر وقت و انرژی شما را با روشهای منفی خود تلف می‌کند. ولی والدین کمتر به خود زحمت می‌دهند که درست فکر کنند که چه چیز را و چگونه به کودک بیاموزند، حتی اگر این آموزش شستن دست، بستن بند کفش، دکمه کردن پیراهن و مرتب کردن میز باشد. افراد بالغ این کارها را خیلی سریع انجام می‌دهند ولی آموختن آن برای اطفال مشکل است. علیهذا کارها را باید به مراحل چند گانه تقسیم نموده و هر مرحله را با آهستگی آموخت تا کودک



کاملاً آشنا شود. این نحوه‌ی آموزش را آموزش با برنامه می‌گویند. دکه کردن یک لباس چه مراحل دارد؟ افراد بالغ ناخودآگاه و بسرعت آن مراحل را انجام می‌دهند، ولی بدین ترتیب آموختن آن برای کودک مقدور نیست، شما باید این کار که به نظر شما ساده می‌رسد و شاید در طفولیت، تا شش سالگی این کار را والدین برای شما انجام می‌دادند. به مراحل مختلف تقسیم کنید و هر مرحله را به آهستگی به کودک نشان داده و بگویند که خود نیز این کار را انجام دهد. در این صورت طفل با شغف و شادی، دکه کردن و هر کار دیگری را خواهد آموخت. علاوه بر این، کودک نیز به مرحله بندی انجام کارها عادت می‌کند و خود طرز آموختن کارها را به دیگران می‌آموزد.

با بکار بردن متد آموزش مرحله بندی شده، یا برنامه ریزی شده، می‌توانید انجام بیشتر کارهای منزل را نیز به کودک دو و سه ساله خود بیاموزید. اینکار برای شما کمک و برای فرزند رضایت کافی در بر خواهد داشت. مانند پاک کردن میز و صندلی، پوست کردن حبوبات، شستن ظروف پلاستیکی، مرتب کردن میز کوتاه برای غذا و غیره.

این مهم است که به خاطر داشته باشید، شما آموزش اینکارها را برای رضایت خاطر و کسب استقلال به فرزند خود می‌دهید. هنگامی که میزی را پاک می‌کند یا ظرفی را می‌شوید، برای اینست که اینکار به او لذت می‌دهد. پس بگذارید، هر قدر دلش می‌خواهد میز را پاک کند یا بشقاب را بشوید. به کارهای او ارج بگذارید. اگر لازم است کاری را که او ناقص انجام داده مجدداً انجام دهید، در حضور وی اقدام نکنید.

دقت کنید برای آموختن کارها، کودک را در فشار قرار ندهید، بگذارید هر وقت مشتاق بود، به او آموزش دهید. از وی سؤال کنید آیا میل داری لباسهایت را دکه کنی؟ اگر گفت «نه» او را مجبور نکنید.

موضوع را عوض کرده و آنرا به چند روز بعد، موکول نمائید. اگر کودک شما از افرادی است که همیشه «نه» می گوید، نحوه‌ی سؤال را تغییر داده و به طرز مثبتی بگویند. می‌خواهم د کمه کردن را به شما نشان دهم. اگر باز هم علاقه‌ای از خود نشان نداد، مقاومت نکنید.

هر وقت می‌بینید فرزند شما علاقه به آموختن را از دست داده، یا از آن طفره می‌رود، یا می‌گوید خسته شده‌ام آموزش را متوقف کنید و کار را روز دیگر شروع نمائید. این طرز کار، نه تنها مانع فشار آمدن به کودک می‌شود، بلکه مانع مقاومت وی در مقابل روش و تکنیک شما می‌گردد.

آموزش اطفال کوچک را با وسایل حقیقی شروع کنید. این یک قاعده‌ی اساسی برای اطفال هیجده تا سی و شش ماهه است. خانه شما پر از وسائلی است که می‌توانید از آنها برای آموزش استفاده کنید. درست کردن چیزی با آنها راحت‌تر و آسانتر از استفاده و خریدن اقسام دیگر اسباب بازی است. به دین منظور از وسایل آشپزخانه نیز می‌توان استفاده نمود. اسباب بازیها نیز بین سنین یک تا سه سالگی وسایل مطبوعی برای ارضای انواع انگیزه‌های احساسی و حرکتی کودک می‌باشند.

اسباب بازی در زندگی کودک به منظورهای مختلفی بکار می‌رود. اسباب بازیهای هستند که برای دوست داشتن بکار می‌روند مانند: وسایل نرم، وسایل قابل نوازش که لمس کردن آنها آرام بخش است، حیوانات پارچه‌ای و عروسکهای پارچه‌ای که هنگامی که مادر چراغ را خاموش کرده و خارج می‌شود باز هم در کنار کودک هستند. اسباب بازیهای هستند که موجب بروز تصوراتی در کودک می‌شوند مانند: وسایل نقاشی و رنگها، کاغذ و خانه‌ی عروسکی. هرچه این وسایل ساده‌تر باشند به طور سازنده‌تری می‌توان آنها را بکار برد. اسباب بازیهای هستند که این

احساس را در کودک به وجود می آورند که بزرگ شده است مانند زن زیبا با تزیینات، زن خانه دار، وسایل باغبانی، پزشک در لباس پزشکی، کامیون، راه آهن و هرگونه وسایل چرخدار. وسائلی هستند که کودک را وادار به حرکت می کنند. سه چرخه، روروک، مانع برای پریدن از روی آن، تابی که با طناب به درخت بسته است نیز از این قبیل اسباب بازیها می باشند.

گرچه به نظر می رسد بعضی از این وسایل از لحاظ فیزیکی، اجتماعی و هیجانی کودک را تقویت می کند ولی در عین حال به رشد فکری او نیز کمک می نمایند زیرا یک انگیزه ی تحریک فکری نیز در تمام آنها وجود دارد.

وسائلی نیز وجود دارند که برای آموزش فکری بکار می روند، این وسایل اسباب بازیهایی هستند که شما ارزش پولی را که بابت آن پرداخته اید، با ساعتها مشغول شدن با آن به دست خواهید آورد. علاوه بر وسائلی که نامبرده شد می توانید خیلی نکات آموزشی از وسایل زیر بیاموزید:

خانه ای مانند کود کستان به مقیاس کوچک با نشیمنگاهها و سایر وسایل به اشکال هندسی بریده شده از چوب: مربع - مستطیل - منحنی - نیم دایره - مورب.

چراغ قوه

لانه ی پرندگان با تخم

پازل هائی که می توان قطعات آنها را جدا ساخته و مجدداً مرتب نمود.

سرسره ی چوبی با نردبان

وسایل صوتی و موسیقی مانند زنگها، طبل، شیپور، سنج، پیانو

کامیون‌هایی که از هم جدا شده و روی هم سوار می‌شوند.

اشکال هندسی

آهن ریای بزرگ

تونل کوچک که کودک بتواند از داخل آن عبور کند.

کیسه محتوی دانه‌های گرد و زنبیل برای پرتاب کردن دانه‌ها

در آن

بازی ساده‌ی لوتو Loto

بردن کودک به خارج از منزل که شانس بیشتری برای دیدن اشیاء و افراد و حیوانات دارد، مرحله‌ی آموزشی بسیار مفیدی است، حتی اگر به خارج از خانه رفته و بگذارید رفت و آمد مورچه‌ها را تعقیب کند.

باغ وحش و مزرعه و دیدن حیوانات و وسایل کار مختلف برای کودک بسیار آموزنده و مفرح است، بنابراین می‌توانید در پایان این بازدیدها، از وی سئوالاتی در مورد آنچه که دیده است بکنید.

همچنین بازدید از مرکز آتش‌نشانی، نانوانی، کفش‌دوزی برایش آموزنده است. سفر با اتوبوس و قطار راه آهن حتی برای یک یا دو ایستگاه به رشد فکری او کمک زیادی می‌کند، بازدید از یک گلخانه یا مزرعه سیب، بسیار فرح‌بخش و آموزنده است. انتقال از مرحله‌ی سه سالگی به مرحله‌ی قبل از دبستان و شش سالگی، مرز معینی ندارد. برحسب محیطی که والدین برای کودک خود فراهم می‌کنند، این مرز متغیر است. در سی ماهگی بعضی از کودکان آماده‌ی فعالیت بیشتری هستند. شما می‌توانید قبل از پایان سه سالگی فرزندتان، فصول مربوط به زبان، علوم، ریاضی این کتاب را خوانده و در مورد فرزند خود که از رشد فکری او اطلاع دارید تصمیم مقتضی بگیرید.



## چگونه موجب تحریک رشد فکری کودکان، بین سنین سه تا شش سالگی شویم.

بنفشه تازه شش ساله شده و پائیز آینده به کلاس اول می‌رود. ولی اکنون می‌تواند با آرامش خاطر و مستقلاً کتابهای کلاس سوم را بخواند. او می‌تواند هرچه بیشتر بشمارد و جمع، تفریق، و تقسیم ساده را انجام دهد او کاملاً معانی اعداد را می‌داند. تعداد کلماتیکه بخاطر دارد به ۲۵۰۰۰ می‌رسد، او درک روشنی نیز در مورد علوم طبیعی و اجتماعی دارد. او مشتاق، مجذوب و کنجکاو محیط اطراف خود است. با شادی به سئوالات افراد بزرگ جواب می‌گوید، به موسیقی آشنائی دارد و پیانو را به نحو دلنوازی می‌نوازد. از آنجائی که فردی متکی به نفس و با انرژی است به

۱۲۰ ■ چگونه فرزند باهوشتری تربیت کنیم

آسانی با کودکان دیگر دوست می‌شود.

ولی محسن اکنون شش ساله و در کلاس اول است. او نمی‌تواند به خوبی منظور خود را بیان کند، معلمش صحبت‌های او را به درستی نمی‌فهمد. قادر به تشریح عکسهایی که در کتاب کلاس اول است نیست، چه رسد به عکسهای مشکلتر. برای محسن راحت‌تر است که به درس گوش نکرده، از پنجره به خارج نگاه کند یا آنکه آرام بنشیند. محسن هم اکنون فکر می‌کند که فرد ناتوانی است و این حالت را در کلاس و محوطه بازی از خود نشان می‌دهد.

بنفشه و محسن زندگی را با هم در شهر بزرگی به فاصله‌ی چند مایل از هم شروع کرده‌اند. آنهم با اختلاف تواناییهای فکری و استعدادی خیلی بسیار کمتر از آنچه که هم اکنون بین آن دو بنظر می‌رسد. اگر از آن دو در ابتدا آزمایش هوش به عمل آمده بود، هر دو نمره‌ی واحدی می‌گرفتند. ولی اکنون اختلاف بین آنها زیاد است. این اختلاف همیشگی است و ممکنست بیشتر نیز بشود.

بنفشه آشکارا جزء افراد باهوش طبقه بندی شده و به زودی نام وی در زمره‌ی شاگردان بالای کلاس ثبت می‌شود. شوق وی به آموختن و پیشرفت سریع، موجب خشنودی آموزگاران خواهد شد. تائید آموزگاران بنفشه را دلگرم می‌کند، این دلگرمی علاوه بر شادیهایی که وی از آموختن به دست آورده، موجب موفقتهای بعدی او خواهد شد. حتی اگر، برای مدت کوتاهی آموزگار نامناسبی آموزش وی را عهده‌دار گردد، او همان موفقتهای بعدی را به دست خواهد آورد. او اگر شانس آورده و جزء شاگردان ممتاز منظور شود، ممکن است یکسال در دوره‌ی دبستان جلو بیفتد و آن را صرف مطالعه‌ی پایان تحصیل خود نماید.

آنقدرها طول نمی کشد که آموزگار از موفقیت محسن به علت عدم آمادگی و ضعف زبان او ناامید می شود. محسن خواندن را نیز به کندی فرا خواهد گرفت. این خود مانعی در کلیه کارهای دیگر تحصیلی او خواهد بود. احتمالاً یک دوران ناراحتی فامیلی نیز شروع می شود چه محسن نمی تواند در کلاس موفق شود، و چون موفق نمی شود سعی و تلاش را کنار می گذارد. هرچه کمتر تلاش کند، کمتر خواهد آموخت. او ممکن است ناچار شود یکسال بیشتر صرف تحصیل ابتدائی کند. یا آنکه او را یک کلاس عقب آورند. او با وجود بالا رفتن کار در دبیرستان، ممکن است درسال دوم مدرسه عالی ناچار شود، تحصیل را کنار بگذارد.

اختلافی که بین بنفشه و محسن ذکر شد مبالغه نیست، امروزه هزاران نفر امثال بنفشه که محصول منازل مطلع و آموزشهای قبل از دبستان والدین می باشند، در کلاسهای اول مشغول تحصیل هستند این تعداد همه ساله رو به افزایش است.

کودکانی مانند محسن را می توان با مقیاسهای صدها هزار نفری دید که بیشتر آنها از منازلی که از فرهنگ محروم بوده و یا فقیر می باشند به مدرسه می آیند. از این قبیل اطفال، در بین خانواده های متمکن و با نفوذ نیز دیده می شوند. خانواده هایی که والدین آنها، خیلی مشغول یا بی اطلاع و یا به تربیت و آموزش فرزندان خود بی علاقه بوده اند.

میلیونها کودک بین طبقه ی بنفشه و محسن قرار دارند که مغز آنها نه مانند بنفشه رشد نموده و نه مانند محسن از رشد باز ایستاده است. این اطفال با خود، آن آموخته ها و تعالیم و تحریکات مغزی خانه ای را که آنها را دوست داشته و به آنان توجه کرده اند به دبستان می آورند. در عین حال این اطفال علیرغم تحریکات مغزی نسبی، همه آنچه را که به آن نیاز داشته اند، در محیط خانه کسب نکرده اند.

شما چه آموزشهایی می‌توانید در اختیار فرزندتان سه تا شش ساله قرار دهید تا به طبقه یکم راه یافته و در دوران تحصیل موفق شوند؟

هیچ برنامه‌ی از پیش تهیه شده‌ای را نمی‌توان مشترکاً برای تمام خانواده‌ها، تمام خانه‌ها، تمام والدین که دارای استعداد، مسئولیت و وقت آزاد متفاوتی هستند، در نظر گرفت. حتی اگر چنین برنامه‌ای در نتیجه‌ی تحقیقات و بررسیهای زیاد تهیه شود، معه‌ذا کاربرد و نتیجه لازم را نخواهد داشت. هیئت تعیین روشهای آموزشی دریافته است که اطفال در سنین سه تا شش سالگی به قدری از لحاظ مغزی و فیزیکی فعال هستند که هیچ الگویی را نمی‌توان از قبل تهیه نمود که بتواند از موقعیتهایی برای آموزش آنها استفاده نماید.

فکر یک کودک به قدری سریع کار می‌کند و به قدری سریع به جهات مختلف غیرقابل انتظار، متوجه می‌گردد که شما نمی‌توانید برای آموزش، یک الگوی درسی رسمی و موقعیت مناسبی را بدست آورید. یکی از بهترین امتیازات آموزش قبل از دبستان در منزل، آنست که شما می‌توانید آن را با نیاز و علاقه فوری هر فرد و موقعیت آموزشی او که به ندرت به دست می‌آید منطبق سازید.

راهنماییهای عمومی برای منظوره‌های عمده‌ای که شما میل دارید بین سنین سه و شش سالگی انجام دهید بدین شرح است. مانند هر آموزگار خوبی شما بالبداهه و فی‌المجلس روش و نظری را در مورد فرزند خود بکار بندید. اینکه سرعت پیشرفت او در هر زمینه‌ای چقدر است بستگی دارد، به اینکه چقدر با او وقت صرف می‌کنید، همچنین اینکه سرعت یادگیری او چقدر است، روش آموزشی او چیست و نیز بستگی دارد به اینکه قبل از سن سه سالگی چقدر انگیزه احساسی دریافت کرده است.

آیا در مهد کودک که شرکت داشته‌به‌طور فعالانه‌ای برای تقویت رشد



فکری او عملی انجام شده یا خیر؟

به خاطر داشته باشید که اگر مرحله‌ای را برای تمایل خود کودک به پی بردن و کشف موضوعات اختصاص دهید، نتیجه بهتری خواهید گرفت، تا اینکه، برای فرو کردن موضوعی در مغزش، سر او را با مته سوراخ کنید یا ساعت‌های درس رسمی برای وی بگذارید. اگر شما به یاد داشته باشید که منظور اصلی از برانگیختن محرک، ایجاد شادی آموختن در فرزند است، شما دیگر به او فشار وارد نخواهید کرد.

### زبان

بین سنین سه و شش سالگی، دانه‌ی لغات فرزند شما با تقلید از آنچه که شما می‌گوئید به طرز غیر قابل تصویری رشد می‌کند. اگر شما زبان مادری را صحیحاً صحبت کنید، فرزند شما نیز چنین خواهد کرد. فرزند همچنین لغات دیگر شما را، مانند اصطلاحات نوازشی و سوگندها تقلید می‌کند. کمک مهمی که می‌توانید به فرزند خود بکنید، بکار بردن نمونه‌ی خوبی از زبان است.

مطلب بالا، بدین معنی نیست که همیشه با فرزند، کتابی صحبت کنید، بلکه باید جمله‌ای که می‌گوئید گرامری و صحیح باشد. قیود، ضمیرها، صفات و غیره را صحیحاً در جای خود بکار ببرید اگر نمونه‌هایی برای وی بگوئید کودک به خوبی پی می‌برد که جمله‌ها، جمع‌ها، قیود و غیره را چگونه درست کند. توانایی کودک برای آموختن زبان، در دوره‌ی قبل از دبستان از هر زمان دیگر بیشتر است.

ناراحت نباشید از اینکه، کلماتی بکار ببرید که کودک معنی آنها را نفهمد. مطمئن باشید او کلمات را ضبط کرده و معانی را آشکار خواهد ساخت. یک کودک مانند افراد بالغ خیلی بیشتر از لغاتی که حین صحبت بکار می‌برد، می‌داند و می‌فهمد.

بعضی مواقع به عنوان تفریح می‌توانید کلمات سنگینی برای فرزند خود بگویند او از آموختن آنها لذت می‌برد مانند رادیاتور، کاربوراتور، آب زیبا، دامپزشکی و امثال آنها.

گرچه نیازی نیست که شما آشکارا به دایره لغات فرزند، و یا درست کردن جملات وی کمک کنید ولی می‌توانید با ذکر مثالی، به شکلی که او دلسرد نشود جملات او را تصحیح نمایید. مثلاً اگر گفت من به مادر کمک می‌کنم که اتاقها را تمیز کند، می‌توانید، بگویند من هم به مادر کمک می‌کنم که اتاقها را تمیز کند. بدین ترتیب می‌توانید به نقطه‌ی اشتباه اشاره کنید.

تقریباً تمام کودکان قبل از دبستان، هنگام صحبت دچار لکنت می‌شوند. علت آنست که، سرعت فکر کردن آنها سریعتر از پیدا کردن کلمات است. این وضع در مدت کوتاهی اصلاح می‌شود.

نظر داده شده است که علت لکنت، بدین سبب است که تسلط بیان در یک نیمکره‌ی مغز هنوز استقرار نیفتاده است. این نیمکره ایست که کنترل صحبت کردن در سالهای اول زندگی، در آنجا مستقر می‌شود. این قسمت مربوط به صحبت کردن، ضمن عمل جراحی مغز جزء به جزء مشخص می‌شود. معمولاً مرکز کنترل صحبت در افراد راست دست، در نیمکره‌ی چپ مغز، و افراد چپ دست، در نیمکره‌ی راست مغز قرار دارد.

طبق این تئوری پس از آنکه نوع طبیعی بکار بردن دست مشخص شد، لکنت زبان نیز از بین می‌رود. ضمناً پی برده شده است که اگر ثباتی برای راست دست بودن، یا چپ دست بودن کودک حاصل نگردد، لکنت زبان نیز ادامه پیدا می‌کند. لکنت زبان، ممکن است در حالت عدم برتری جانبی مغز بر چشم، پا و دست نیز حاصل شود. همچنین دانسته

شده است که اگر آموزگار یا والدین، کودک را وادار کنند که به جای دست چپ که بکار تسلط یافته، از دست راست استفاده کند، لکنت زبان ممکن است ادامه یابد. علت لکنت زبان هرچه می‌خواهد باشد، این حالت که در اطفال بین سنین دو سال و نیمه و چهار ساله اغلب رخ می‌دهد، باید نادیده گرفته شود. لکنت زبان مذکور به محض اینکه توانایی طفل در استعمال لغات پیشرفت کند، از بین خواهد رفت.

دقت و توجه والدین به این نقیصه و توجه دادن کودک به این عیب ممکن است، سبب عادت کردن او شده و لکنت زبان وی ادامه یابد. حتی نباید به طفل گفت که آهسته صحبت کند، یا قبل از صحبت نفس عمیقی کشیده سپس شروع به صحبت نماید.

با یک روش می‌توانید به کودک خود کمک کنید. آن روش این است که با کمال نزاکت به صحبت کردن فرزند گوش کنید درست مانند وقتی که میهمان محترمی را در حضور دارید. اگر کودک حس کند حقیقتاً به او گوش می‌دهید، او دیگر در اداء کلمات عجله نمی‌کند. این نزاکتی که بکار برده می‌شود، او را وادار می‌کند که ارزش شخصی و اعتماد به نفس وی افزایش یافته و دیگر ضمن صحبت، در مقابل دقت شما ناله نکند.

بعضی از کودکان نمی‌توانند یک یا دو صدا را به خوبی تلفظ کنند به حدی که بعضی مواقع گفته‌ی آنها برای شنونده مفهوم نیست. تا ورود به مدرسه، نباید نگران وی باشید. به محض آنکه فرزند فرمان مکانیسم زبان را به دست گرفت مشکلات کلامی او مرتفع می‌شود.

در دوران سه تا شش سالگی می‌توان از آموزش زبان، برای تقویت تفکر کودک استفاده نمود. هنگامی که با وی صحبت می‌کنید، می‌توانید او را وادار کنید کارهای خود را قبلاً برنامه‌ریزی کند. مثلاً به او

بگوئید: «وقتی که به من کمک کردی و ظرفها را جمع کردیم می‌رویم به پارک» یا آنکه بگوئید: «آیا من کیک را برای ناهار درست کنم؟ یا برویم به پارک و آن را برای عصرانه تهیه نمایم؟»

اگر شما به فرزند خود بیاموزید که احساساتش را به صورت کلمات ادا کند، زندگی را برای او و افراد خانواده آسانتر می‌سازید. اگر کودک بیاموزد که چگونه احساسات خود را با کلمات بیان کند، دیگر عصبانی نشده و داد و فریاد نمی‌نماید.

شما می‌توانید کلمات را برای بیان احساس خود بکار ببرید، تا کودک نیز به همان نحو عمل نماید.

مثلاً به او بگوئید، من می‌دانم که تو خشمگین هستی زیرا آن بچه، اسباب بازی ترا خراب کرد. همچنین می‌توانید ادامه بدهید که آن کودک چقدر ترا تحسین می‌کند او سعی دارد هر کاری را که تو می‌کنی او نیز تقلید کند. او می‌خواهد بزرگ شده و کاملاً مانند تو بشود. آیا می‌توانی به من کمک کنی که به کودک بیاموزم چگونه مانند تو خوب باشد؟

می‌توانید این کار را به گونه‌ای انجام دهید که بصورت یک بازی جالب درآید. مثلاً از کودک خود بخواهید کلماتی را بیان کند که کاملاً تشریح کننده‌ی حالت ابر، یک احساس، بیان کننده‌ی مزه و طعم یک غذای خوب، زیبایی گل و امثال آن باشد. اگر شما خود را در بازی شرکت دهید او بیشتر لذت خواهد برد.

والدینی هستند که هر چه می‌توانند با احترام و علاقه، و بدون فروتنی و تمکین، مکالمه را با فرزندان خود مطبوع و لذت بخش می‌نمایند. اگر شما این روش را به صورت عادت همیشگی با فرزند خود در آورید و برای مثال، اگر هنگام راندن اتومبیل، نشستن در

اتوبوس، بردن وی به رختخواب، درست کردن غذا یا هر وقتی که فرصت داشتید، با نزاکت با او صحبت کنید نه تنها موجب تحریک رشد فکری او می‌شوید، بلکه ارتباط بسیار دوستانه‌ای با او برقرار می‌کنید که در طول زندگی او بسیار ارزشمند خواهد بود.

اگر موضوع جالبی را در میان بکشید که کودک شما در مورد آن صحبت کند، به رشد دایره‌ی لغات وی کمک شده و مهارت وی در بکار بردن زبان شکوفا می‌شود. رفتن به موزه‌ها، باغ وحش و خرید از فروشگاه یا انجام کارهای آشپزخانه، نه فقط موجب می‌شود که کودک کلمات جدیدی را بکار ببرد، بلکه میل او را به انجام این کارها زیاد می‌کند. محرک دیگر عبارتست از آنکه، سر میز ناهار هر یک از افراد خانواده شرح دهد در آن روز چه کاری کرده است.

نگاه کردن به تلویزیون نیز، دایره‌ی لغات کودک را وسعت می‌دهد به ویژه اگر او را تشویق کنید که در مورد برنامه‌های آن، صحبت کند. این موضوع موجب می‌شود که او حقایق را از افسانه جدا کند. سوء تفاهم‌های خود را مرتفع گرداند و علاقه خود را به کسب اطلاع در موضوعاتی مانند موشک‌ها، فضای بالای جو زمین، هواپیما و کشورهای خارج افزایش دهد. شما می‌توانید شباهت یا اختلاف صداهای حروف را بدین ترتیب به فرزند خود بیاموزید: مثلاً به او بگوئید که کلماتی را نام ببرد که اول آن با حرف (س) شروع می‌شود یا کلماتی که پایان آن به (س) ختم می‌گردد. البته این روش در آموزش زبانهای خارجی بیشتر بکار می‌رود.

مهارت در زبان، شامل گوش کردن، فهمیدن و صحبت کردن است. طرق و بازیهای مختلفی وجود دارد که شما می‌توانید به آن وسیله قدرت گوش کردن را در فرزند خود تقویت کنید.

خواندن کتابهای آسان برای فرزندان، تفریح بسیار مشغول کننده‌ای است. اگر خود کودک نیز قادر به خواندن کتاب شود، یا آنکه شروع به خواندن کتابهای کلاس اول کند باز هم زمینه‌ای برای تقویت مغز او وجود خواهد داشت. سطح درک یک کودک چندین سال از سطح خواندن وی جلوتر است. او نیاز دارد که شما برای او بخوانید تا آنکه به کتاب علاقمند شود. از این راه، افکار وی تغذیه گردیده و خود قادر به خواندن خواهد شد.

رفتن به کتابخانه و سالن مطالعه‌ی مخصوص کودکان، بایستی تبدیل به یک امر عادی در زندگی کودکان شما گردد. این امر نباید دیرتر از سه سالگی صورت گیرد، در مواقع مقتضی بهتر است بصورت هدیه، کتابی به انتخاب خود یا کودک، به وی هدیه کنید. کتاب معمولاً ارزانتر از اسباب بازی است، مخصوصاً اگر لذت بردن از آن را در ساعات متمادی حساب کنید. اگر برای کودک خود کتابخانه‌ی ارزانی به سلیقه‌ی خود کودک، تهیه و اسامی کتابها را به شکلی که قابل درک، برای کودک باشد روی کتابها نصب کنید، این امر موجب افزایش تمایل کودک به کتاب می‌شود.

مهم اینست که کتاب را به عنوان یک تفریح و لذت بخوانید. برای مثال چقدر خوبست که در هوای خوب پتونی زیر سایه‌ی درختی پهن کرده و برای او کتابی که دوست دارد بخوانید. یا برای مثال به او بگوئید در آشپزخانه به شما کمک کند و شما در عوض سرگذشت خوبی را، از کتابی برایش بخوانید.

من بخاطر دارم هنگامی که چهارساله بودم گوش درد، مرا خیلی آزار می‌داد. شب‌ها بیدار می‌شدم و گریه می‌کردم. مادرم ناچار بیدار می‌شد و دارونی که دکتر تجویز کرده بود به من می‌داد، ولی درد آرام

نمی‌گرفت. مادر کتابی را برداشته قصه‌ی شیرینی برای من می‌خواند و من به خواب می‌رفتم اکنون هم که بزرگ شده‌ام حس می‌کنم، مطالب خوب کتاب درد را تسکین می‌دهد. چه تأثیر آن به مغز، مسلط بر تأثیر احساس درد می‌شود.

شما باید مطمئن شوید که فرزند شما پی برده‌است که خواندن نیز یکی از کارهای افراد بالغ هست و او هم می‌تواند مستقلاً از آن لذت ببرد. باید بگذارید او درک کند که شما کتاب را برای لذت بردن از مطالب آن و کسب اطلاعات دوست دارید. بایستی با فرزندتان به کتابخانه رفته و در حضور او کتابی برای خودتان انتخاب کنید که او مثلاً به عنوان هدیه‌ی روز پدر یا مادر به شما هدیه کند. فرزندى که ببیند والدین او تمام اطلاعات را از تلویزیون کسب می‌کنند، هیچوقت به خواندن علاقمند نمی‌شود.

ابراز علاقه و جوابگوئیهای اطفال، بهترین راهنمای شما برای انتخاب نوع کتاب برای آنها می‌باشد. همان وضعی که کودکان در سن دو سالگی داشتند در مابقی سنین قبل از دبستان نیز کتابهای افسانه‌ای و کتابهای مربوط به کودکان را به مطالب دیگر ترجیح می‌دهند. کتابهایی در مورد رعد و برق هم مانند اژدهائی که از دهان وی آتش خارج می‌شود برای آنها، عجیب است. به آنان حق انتخاب بدهید، آنها خود حقایق را انتخاب خواهند کرد.

برای کمک به فرزند در انتخاب کتاب، بایستی یک راهنمای اصولی در دست باشد. ترجیح دارد که مغز او را به فعالیت و انتخاب وادارید تا خود، کتاب مطلوب را برگزیند. جواب کودک به شما بهترین راهنمای قدرت درک او است. این روش خیلی از خواندن لیست کتابها برای او بهتر است. اگر یک کتاب با فکر کودک برابر باشد، احتمالاً از

شما می خواهید آنرا برایش بخوانید. همچنین از شما می خواهد که خواندن آن را چندین بار برای وی تکرار کنید. او هم با آرامش کامل به آن گوش می دهد. اگر کتاب خیلی برایش آسان یا خیلی مشکل باشد، توجه به آن را کنار گذاشته و با شیء دیگری مشغول بازی می شود.

کودک سه تا شش ساله، علاقه ی زیادی به شنیدن اشعار دارد. شما باید در تمام دوران قبل از دبستان از آن اشعار برایش بخوانید. او را تشویق کنید اشعاری را که دوست دارد، به خاطر بسپارد. او را وادار نکنید که از آن اشعار برای میهمانان شما بخواند، بلکه برای لذت خودش به خاطر داشته باشد. خواندن شما برای فرزندتان، نباید محدود به کتاب باشد. شما می توانید اصولاً توجه او را به خواندن با نشان دادن علائم راهنمایی، علائم تاریخی که در سفرها به آن برخورد می کنید، صورت غذایی که در رستوران برای شما می آورند و علائمی که برای مشخص کردن اتاق بانوان یا اتاق آقایان نصب می شود و یا هر علامتی که به او کمک می کند تا بیاموزد جلب کنید. از این طریق، او می فهمد که علائم و حروف الفباء کلماتی را درست می کنند که دارای معنی هستند.

### خواندن

اگر شما دستورات این کتاب را رعایت کنید، خواهید دید فرزندتان آمادگی خود را برای آموختن خواندن بین سنین سه و چهارسالگی نشان می دهد. او مجذوب کتاب می شود و پرسشهایی در مورد معانی علائمی که مشاهده می کند از شما خواهد کرد. او درخواست خواهد کرد که نوشتن نامش را به وی بیاموزید. به دایره ی لغاتش بیش از حد تصور شما توسعه می دهد. در فصل ۷ به طور مشروح گفته خواهد شد که چگونه خواندن را به کودک خود بیاموزید تا شما و فرزندتان از آن



محفوظ گردید.

## زبان دوم

در سنین بین سه تا شش سالگی، هنگامی که توانایی جذب زبان کودک در اوج خود قرار دارد شما می‌توانید زبان دومی نیز به وی بیاموزید.

در این سن فرزند شما زبان دوم را تقریباً می‌تواند به همان راحتی زبان فارسی یاد بگیرد. به شرطی که همان اصولی که برای آموختن زبان فارسی ذکر شد، رعایت شود. با رعایت این اصول لازم نیست که شما کلاس درس ویژه‌ای برای وی ترتیب بدهید. کودک نیاز دارد آن زبان را بر اثر تکرار و به طور طبیعی، از طرف فردی که می‌تواند آن زبان را مانند زبان مادری صحبت کند بشنود. پدر بزرگ، مادر بزرگ، آموزگار پرورشگاه یا مستخدم منزل می‌توانند آموزگاران خوبی باشند، مشروط به آنکه فقط به زبان دوم با وی صحبت کنند (این آموزش بایستی در قسمت معینی از منزل یا اطاق بازی کودکان صورت گیرد). منظور از آموزش، نباید وسعت دادن به دایره‌ی لغات کودک باشد، بلکه بایستی مبانی زبان آموخته شود، کودک بعدها به راحتی می‌تواند این زبان را تکمیل نماید.

بررسی نشان داده است هر کسی که آموزش زبان دوم را به عهده می‌گیرد، باید آن را صحیحاً تکلم کند. اطفالی که از لحاظ فرهنگی عقب مانده‌اند و در منزل آنها زبان مادری و زبان دوم صحیحاً صحبت نمی‌شود، معمولاً در دبستان از سایر شاگردان عقب هستند. بر حسب تجربیات انجام شده، آموزش زبان دوم در دبستان و به وسیله‌ی آموزگارانی که نمی‌توانند به زبان مادری صحبت کنند، وقت تلف کردن است.

اگر خود شما زبان دوم را به روانی نمی‌توانید صحبت کنید و کسی را نیز نمی‌شناسید که آن را به زبان مادری به فرزند شما بیاموزد، شما احتمالاً نمی‌توانید شانس آموختن زبان دوم را به فرزند خود بدهید. طبق تجربیات انجام شده، روشن گردیده که آموزش زبان به کودکان قبل از دبستان، از طریق نوار و تکنیک‌های دیگر موفقیت‌آمیز نبوده است، والدینی که با فرزندان خود در کلاسهای زبان شرکت می‌کنند ملاحظه می‌کنند که پیشرفت فرزندان آنها به مراتب سریعتر از خودشان می‌باشد.

### ادراک

کلمه‌ی ادراک با معنایی که از طرف مریبان، پزشکان و روانشناسان بکار برده می‌شود، عبارتست از انتقال واژه و انگیزه به مغز و تعبیر و ترجمه‌ی سریع آن. این عمل، شامل تشخیص و شناسایی صداست. مانند صدای مادر که تشخیص داده می‌شود از گیت، عروسک که بلافاصله تعبیر می‌شود به جسم کوچکی، بستنی که فهمیده می‌شود مقصود از آن چیز سرد و خنکی است، و تصویر یا عکس، که معرف حقیقتی است.

ادراک شامل تفسیر تمام یافته‌های حواس پنجگانه می‌شود. این حواس عبارتند از: بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه. ولی از آنجائی که در آموختن کلید اصلی به خاطر سپردن دیدن است، بدین لحاظ در آموزش، ادراک به دیدن و فهم دقیق آن در مغز تعبیر می‌شود.

حتی اگر عمل دید چشمهای کودک کامل باشد، انگیزه و محرک دید، ممکن است در طول عبور از رشته‌های عصبی به مغز تغییر کند، یا آنکه آنها در مغز درست تعبیر و شناخته نشوند. این اختلال در بعضی اطفال ممکن است به قدری شدید باشد که در آموختن دروس در مدرسه، دچار اشکال شوند. آنها ممکن است زمینه را از آنچه از نزدیک دیده

می شود نتوانند جدا کنند، یا چپ را از راست تشخیص دهند، یا آنکه به نحوی به یک صحنه یا به کلمه‌ای در یک صفحه تمرکز یابند.

محققین برآورد می‌کنند که اطفالی که گرفتار اختلالات ادراکی هستند، پانزده درصد شاگردان کلاس اول را تشکیل می‌دهند. بعضی مواقع این اختلال به علت آسیبی است که قبلاً به مغز وارد شده است. بعضی مواقع به رشد عصبی کودک مربوط می‌شود. در اغلب اختلالات ادراکی، علت مشهودی به نظر نمی‌رسد. پزشکان می‌گویند بعضی از این اطفال دارای «آثار و علائم نرمة عصبی» می‌باشند. کودکان مورد بحث، ممکن است دارای خصوصیتی به شرح زیر باشند: زشت و بدترکیب، خیلی فعال، دارای نیروی عکس‌العمل آبی، زود انگیزت و تا حدودی گرفتار لکنت زبان، به طور غیرعادی کم دقت و دارای قدرت تمرکز ضعیف.

طبق تحقیق دانشمندان، تعالیم مخصوص برای تقویت قدرت ادراک کودک مؤثر واقع می‌شود. مخصوصاً، قبل از آنکه شروع به تحصیل در دبستان نمایند و با عدم توفیق آموزشی و مشکلات هیجانی که مزید بر مشکلات عصبی می‌شود، مواجه نگردند. در حقیقت هر کودکی می‌تواند برای تقویت ادراک از تعالیم قبل از شروع دبستان استفاده کند.

برای تقویت ادراک طفل، سعی کنید از بازی‌هایی که در زیر شرح داده می‌شود استفاده کنید:

— دو تا چهار شیء به اشکال مختلف درست کنید «با موم‌هایی که اطفال بازی می‌کنند» و از فرزند خود بخواهید شبیه آنها را درست کند.

— اسباب بازی کوچکی را در پاکت کاغذی گذارده و از فرزند خود بخواهید دستش را روی آن گذارده و آن را تشخیص دهد.

بازی را به این شکل تغییر دهید. چند اسباب بازی کوچک در پاکت گذارده و از کودک بخواهید تا آنها را با لمس کردن تشخیص داده و از پاکت خارج کند.

— بازیهای مختلفی را با کارتهای لوتو «(LOTO)» پارچه‌های رنگی، اعداد، حروف و عکس‌های مجلات درست کرده و آنها را روی مقوا بچسبانید.

— در کوزه‌ای دوازده عدد از چهار نوع مهره‌های مختلف بریزید، سپس از کودک بخواهید که هر یک از انواع مهره‌ها را از کوزه درآورده، در ظرف مخصوصی بریزد. پس از انجام این کار، از او بخواهید با چشم بسته این کار را بکند.

— طفل را طاق باز روی زمین بخوابانید، سپس از او بخواهید نام هر یک از اعضاء بدن را که شما نام بردید کودک فوراً دست خود را روی آن بگذارد. این بازی را ایستاده، نشسته و روی زانو هم تکرار کنید.

— موانع مختلفی را در اتاق در نظر گرفته و مسیری را برای کودک در نظر بگیرید که آن مسیر را طی کند. مثلاً: ۱- از زیر میز گذشته، ۲- میل را دور زده، ۳- از روی نیمکت گذشته، ۴- بین میز غذاخوری و رادیو لی لی کرده، سپس همین مسیر را مراجعت کند. برای تفریح می‌توانید از او بخواهید با پای بسته و یا دست بسته این مسیر را طی کند.

— ریلی را (خط راه آهن) به طول معینی روی چند تکیه‌گاه به ارتفاع دو اینچ روی کف اتاق قرار داده، از کودک بخواهید روی آن حرکت کند.

— اشکال هندسی را برای طفل درست کرده و نام آنها را به وی

بیاموزید (مثلث، مستطیل، بیضی، دایره) اشکال را روی زمین چیده و از طفل بخواهید مانند آنها را در قسمتهای مختلف اتاق نشان دهد.

— دو عدد تخته سیاه برای او تهیه کنید، روی یکی علامت یا شکلی را نصب کنید و از او بخواهید مانند آنرا روی تخته دیگر نقاشی کند، این کار را به تدریج مشکلتر کنید.

به ابتکار خود می‌توانید از این قبیل بازیها، مشغول‌کننده‌تر و جالب‌تر با تنوع بیشتر برای فرزند خود ترتیب دهید که با میل، بازی با آنها را دنبال کند.

اگر فرزند شما تا سن پنج سالگی موفق نشد بعضی از این بازیها را انجام دهد، اگر مخصوصاً مشاهده کردید زشت و بدترکیب به نظر می‌رسد، به طور غیرعادی کج خلق است، رفتار و کارهای او با اطفال دیگر فرق دارد، او ممکن است دارای اختلال ادراکی بوده و از لحاظ آموختن ناتوان باشد. بهتر است این علائم و رفتار را با پزشک در میان بگذارید. اکنون روشهای خوبی برای معالجه این کودکان در دست می‌باشد.

### ریاضی

اگر شما هیچگاه به ریاضی علاقمند و در آن مسلط نبوده‌اید باز هم خواهید توانست قواعد اصلی ریاضی را به فرزند خود قبل از اینکه، به مدرسه برود بیاموزید. خواه در مدرسه به طریق سنتی علم ریاضی آموخته شود یا طبق روش جدید، کودک بهره‌ی زیادی از این تجربیات قبل از دبستان خواهد برد.

کلید آموزش ریاضی عبارت از برقراری مرحله‌ای است که کودک مفهوم اعداد را دریافته و نظر خود را به صورت بازی با اعداد که هر دوی

شما از آن لذت می‌برید، بیان می‌کند.

دکتر فوربس<sup>۱</sup> استاد ریاضی و مؤلف متد جدید آموزش ریاضی به وسیله والدین، می‌گوید: اغلب اطفال اسامی اعداد را بدون آنکه معانی آنها را بدانند به خاطر می‌سپارند. والدینی که می‌خواهند به کودکان خود کمک کنند، بایستی معلومات اساسی در این مورد، که ریاضی اصولاً از چه صحبت می‌کند به دست آورده و آن را برای آموزش سازمان دهند.

دکتر فوربس می‌گوید: به یک کودک قبل از دبستان باید کمک شود که بیاموزد.

(الف) ریاضی چیزی است که ما به طریق منظمی به آن فکر می‌کنیم و به روش دقیقی در مورد آن صحبت می‌نمائیم.

(ب) آموزش نوع بازی که ما انجام می‌دهیم، نباید زحمتی برای به خاطر سپردن آن بیار آورد.

دکتر فوربس می‌گوید: نباید برای آموزش ریاضی به کودک فشار زیادی وارد شود، چه او مغز خود را بسته و از آموزش آنچه که به آن علاقمند نیست، سر باز می‌زند. همیشه چیزی را به کودک بیاموزید که دبستان دو برابر آن را نخواهد آموخت.

در برنامه‌های علم ریاضی جدید، تصور و فکر اصلی در سنین خیلی پائین به کودک گفته می‌شود. ریاضی مانند خواندن نیست که پس از آنکه کودک کلمه‌ای را آموخت آن را برای همیشه به خاطر داشته باشد. در علم ریاضی شما به مفاهیم اصلی برگشته، آن را توسعه داده و مفاهیم جدیدی را روی آن بنا می‌کنید و پی می‌برید که چگونه آن مفاهیم به جنبه‌های دیگر زندگی مربوط می‌شوند.